

شهید علیرضا ندیمی زاده




از بستان علی
سازمان جامع سرواران و فرهنگیان استان بوشهر

نام پدر	بهروز
تاریخ تولد	۱۳۴۵/۰۱/۰۱
محل تولد	بوشهر - بوشهر
تاریخ شهادت	۱۳۶۲/۰۵/۰۱
محل شهادت	کردستان
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	سوم راهنمایی
مدفن	خارگ

زندگینامه

زندگینامه شهید

علیرضا در اول فروردین ۱۳۴۵ در خانواده‌ای مذهبی در شهر گناوه چشم به جهان گشود. پدرش بهروز در جزیره خارگ کارمند شهرداری بود و در کنار آن مغازه‌ای مختصر داشت. که در آن کار می‌نمود و معاش خانواده را تأمین می‌کرد. مادر گرامی و با ایمان وی «عزت شاه‌مهدی» نام داشت.

علیرضا به اتفاق خانواده به خارگ مهاجرت نمود و در آنجا سکنی گزید. تحصیلات ابتدایی را در دبستان کورش (شهید □، فعلی) دوران راهنمایی را در مدرسه شهید مطهری به پایان رساند و سپس تا دوم دبیرستان ادامه تحصیل داد. علیرضا در اولین روزهای شکل‌گیری بسیج در خارگ به عضویت آن درآمد. و با اشتیاق و شور زاید الوصفی تمامی مأموریت‌های محوله را انجام می‌داد. وی شب‌ها در ساحل و در شهر به نگهبانی (گشت زنی) مشغول بود. عبدالرضا دارای روحیه سلحشوری و عاشق انقلاب بود در زمان جنگ در پدافند هوایی به سایر برادران خود کمک می‌نمود و در جمع آوری کمک‌های مردمی برای اعزام به جبهه نقش مهمی داشت. ایشان علاقه زیادی به انجام امور مذهبی و دینی داشت به این خاطر ارتباط تنگاتنگی با مسجد و روحانیت گرانقدر داشت به ویژه در ایام محرم و صفر در تشکیل مراسم عزاداری تلاش زیادی می‌نمود.

علیرضا در تاریخ ۵/۱/۶۲ از طریق بسیج به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شتافت و از خود رشادت‌ها و شجاعت‌های بسیاری نشان داد. سرانجام در عملیات والفجر ۲ مورخ ۱/۵/۱۳۶۲ در منطقه کردستان بر اثر اصابت ترکش به ناحیه سرش به درجه رفیع شهادت نایل آمد و به آرزوی دیرینش رسید. و پیکر مطهرش در کنار سایر هم‌زمان شهیدش در مورخ ۴/۶/۶۲ در گلزار شهدای امامزاده میر محمد خارگ به خاک سپرده شد.

وصیت نامه

انتهای جاده ایثار (وصیت نامه شهید)

«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»

«کسانی که در راه خدا کشته می شوند را مرده مپندارید بلکه آنها زنده اند و در نزد خدا روزی می گیرند» (قرآن کریم)

«شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همه آگاهی و همه منطق و شعور و بینایی خود آن را انتخاب می کند پدر جان و مادر جان سلام، برادرها و خواهرهایم سلام، اکنون که این وصیت نامه را می نویسم به یاد شهادتی می افتم که شهادت در راه خدا نصیبشان شد ولی جنازه هایشان بدست پدر و مادرشان نرسید. (قرآن کریم)

خداوند! تو را به محمد و آلش قسم می دهم که شهادت در راه خدا، اسلام، قرآن و خاک میهنم را نصیبم کن و مرا در صف شهدا قرار بده در ضمن صحبتی با برادران و همسایگان حزب الهی شهرم دارم که برادران و خواهران، نماز جماعت را همیشه بر پا کنید که این نمازهای شما آمریکا را به ستوه آورده است. دعای کمیل و توسل و ندبه را در مساجد بر پا دارید.

«راستی یادتان نرود، امام را همیشه بعد از نماز دعا کنید و از همشهری های خوبم می خواهم که به فکر مال و ثروت نباشند چونکه این دنیا به کسی وفا نکرده و به فکر دنیا بودن بی فایده است باید دست به دست هم بدهیم و به فکر آخرت باشیم. مادر جان این راهی را که من رفتم خودم انتخاب کرده ام و شما باید افتخار کنید که پسری بزرگ گردید و آنرا به اسلام هدیه کرده اید. از برادرانم می خواهم نماز جماعت در هر گجای شهر برگزار می شود شرکت کرده و نماز بخوانند و در نماز امام را دعا کنید. پدر و مادرم را تنها نگذارید. از شما می خواهم اگر شهید شدم برایم گریه نکنید زیرا دشمن از گریه شما شاد می شود.» ۲۲/۱/۱۳۶۲ (علیرضا ندیم زاده)



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران